

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: کرا دل
نویسنده: شیوان موهندراجاه
برگردان: م. قربانی
۱۲ فبروری ۲۰۲۵

آیا ترمپ واقعاً آماده مذاکره با ایران است؟



حرکت آزمایشی ترمپ برای شروع تازه مذاکره، یا شروع از نقطه صفر، با گردنکشی و جنگ‌طلبی دوره اول او در تضاد کامل قرار دارد. آیا این یک تلاش صادقانه در دیپلماسی است یا یک تهاجم حساب شده برای غافلگیر کردن مخالفانش؟

دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور امریکا که قبلاً دستور ترور سردار قاسم سلیمانی را صادر کرده بود و امریکا را از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) خارج کرد، در یک چرخش شگفت‌انگیز، تمایل خود را برای تعامل مجدد با ایران نشان داده است.

اقدامات او در دوره اول ریاست جمهوری‌اش به طور قابل توجهی غرب آسیا را بی‌ثبات کرد، تنش‌ها را بین واشینگتن و تهران به حداکثر رساند – که میراثی از بی‌اعتمادی را بیشتر تثبیت کرد – آتش درگیری‌های نیابتی را شعله‌ور کرد و روابط امریکا با متحدانش را پیچیده کرد. با این حال، علی‌رغم این تحرکات گذشته – یا شاید به دلیل آن‌ها – به نظر می‌رسد ترمپ اکنون قصد دارد روابط با ایران را از نو تنظیم کند، و این نشانه‌های شروعی تازه بدون تهدید یا پیش‌شرط است.

این امر، همراه با برکناری بریایان هوک، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، مجری تحریم‌های «فشار حداکثری»، خاتمه دادن به مجوزهای امنیتی برای سیاست‌گذاران ضدایرانی که او را در دوره اول به بیراهه کشاندند، و انتصاب **مایکل دی‌مینو** به عنوان یک سیاستمدار واقع‌گرا در مورد سیاست ایران، علایم مثبتی هستند.

تفسیر نشانه‌ها

با توجه به ماهیت بی‌ثبات ترمپ و مجموعه تناقضاتی که واشینگتن بروز می‌دهد و طوفان سیاسی پیرامون اقدامات او، رمزگشایی از آخرین پیشنهادات ترمپ کار آسانی نیست. تهران تایمز نیروهای متخاصم را به دو بخش تقسیم‌بندی می‌کند: «**جنگ‌طلبان**» و طرفداران «**اول آمریکا**». تلاش برای تفسیر نیت ترمپ به همان اندازه نامطمئن به نظر می‌رسد که با فال‌بینی بتوان آنرا پیشگویی کرد.

برخی بر این باورند که نشانه‌های مربوط به مذاکرات که به وسیله یک روزنامه اسرائیلی گزارش شده است، ممکن است اهداف ستراتیژیک را به دور از دیپلماسی تأمین کند. به عنوان مثال، این ممکن است یک تاکتیک متوقف‌ساز، برای دولت نتانیاهو به منظور مذاکره در باره آزادی زندانیان، یا برای ارتش خسته اشغالگر با هدف تجدید قوا پیش از هر اقدامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران باشد.

چنان‌که می‌دانیم، ممکن است دولت ترمپ از این تأخیر برای برنامه‌ریزی به منظور تقویت انتصابات مهم یا آماده کردن ارتش آمریکا برای حمایت از عملیات اسرائیل استفاده کند.

مشکلات از جمله خیانت‌ها در زناشویی، ورشکستگی، نقض قراردادهای تجاری و خروج یک‌جانبه از برجام در سال ۲۰۱۸ وی را به صورت واقعی به مردی بی‌ایمان و شریک مذاکره‌ای مشکوک تبدیل کرده است. برای تعامل تهران، ابتداء ترمپ باید یک رفتار واقعی با نیت مانند لغو تحریم‌ها بر نفت ایران یا اتصال مجدد بانک‌های ایرانی به سوئیفت را از خود نشان دهد. اگرچه تدوین لغو تحریم‌ها از طریق کنگره ایده‌آل است، اما بسیار بعید به نظر می‌رسد.

دیدگاه جمهوری اسلامی ایران

در همین حال، دولت مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، تمایل خود برای مذاکره را پنهان نمی‌کند و جناح‌های اصلاح‌طلب فعالانه از مذاکره استقبال می‌کنند. محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه اسبق و معاون فعلی امور ستراتیژیک رئیس‌جمهور که یکی از افراد مورد علاقه واشینگتن است، اخیراً از ترمپ درخواست کرده است که مذاکرات را از سر بگیرد.

اما، این اشتیاق تنها موقعیت چانه‌زنی ایران را تضعیف می‌کند، زیرا غرایز غارتگرانه ترمپ به سرعت از ناامیدی سوءاستفاده می‌کند. رویکرد اصلاح‌طلبان در سال ۲۰۱۵، که به بارک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا و نتانیاهو نفوذ گسترده‌ای را بدون دستیابی به منافع متناسبی داد، به عنوان یادآوری تلخی از خطرات عمل می‌کند.

اخراج بریایان هوک نیز قابل تفسیر است - مانند اقدامات تنبیهی علیه جنگ‌طلبان جان بولتون، مایک پمپئو و ۵۰ مقام ارشد اطلاعاتی و نظامی سابق، که می‌توان آنرا با ضرب‌المثل سیاسی توضیح داد: «به دوستانت پاداش بده، دشمنانت را مجازات کن.»

انتصاب مایکل دی‌مینو از سوی ترمپ به عنوان **معاون دستیار وزیر دفاع در امور خاورمیانه** باعث هیجان در محافل **اول آمریکا** و آشفتگی در محافل **اول اسرائیل** شد. دی‌مینو دیدگاه‌های مستدلی در قبال غرب آسیا بیان کرده است. یکی از «بدعت‌های» اصلی او این است که منطقه «واقعاً» برای منافع آمریکا اهمیتی ندارد.

آیا «غرب آسیا» اهمیت دارد؟

حتی یک بررسی گذرا به نگرش دی‌مینو حقیقت او را آشکار می‌کند. امریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) دارای ذخایر فراوان نفت و گاز برای مصرف داخلی است. اگر محدودیت‌های «انرژی سبز» و «تغییرات آب‌وهوایی» برداشته شود، امریکا مجبور نخواهد بود حتی یک قطره نفت خام یا یک میلی‌متر مکعب گاز طبیعی وارد کند، از این‌رو ترمپ با شعار «حفاری کن، عزیز، حفاری کن» و «توافق‌نامه آب‌وهوایی پاریس را ترک کنید»، متعهد شد که این محدودیت‌ها را کنار بگذارد. امریکا یک صادرکننده خالص نفت و گاز است. برای نمونه: پس از تروریسم دولتی دولت بایدن علیه فدراسیون روسیه در ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲ با خرابکاری در خطوط لوله گاز نورد استریم، ایالات متحده شروع به تأمین گاز طبیعی مایع (LNG) اتحادیه اروپائی کرد که ۵۰ درصد از واردات اروپا در سال ۲۰۲۳ را تشکیل می‌دهد. نفت و گاز غرب آسیا برای امریکای شمالی ضروری نیست.

پایگاه‌های نظامی امریکا در غرب آسیا عمدتاً برای محافظت از اسرائیل است. پایگاه‌های اینجریلیک و ارمیر در ترکیه نشانه تعهدات ناتو است. پایگاه العدید قطر در سال ۲۰۰۱ گسترش یافت؛ پایگاه الظفره در امارات متحده عربی در سال ۲۰۰۲ توسعه یافت. بندر بحری در بحرین در سال ۲۰۰۳، پایگاه هوایی در سال ۲۰۰۹. و پایگاه هوایی شاهزاده سلطان و پایگاه‌های کوچکتر در عربستان سعودی گسترش یافتند.

هدف چنین گسترشی «جنگ جهانی علیه ترور» (global war on terrorism) و «مهار» ایران بود. با این حال، علی‌رغم پایان جنگ علیه ترور در سال ۲۰۲۱، این پایگاه‌ها همچنان در حال رشد هستند. کویت حدود ۱۰ پایگاه خود را در اوج جنگ عراق از دست داد، اما حدود ۱۴۰۰۰ پرسنل امریکائی در اردوگاه عارفجان، پایگاه هوایی علی السالم و چهار پایگاه دیگر باقی مانده اند. پایگاه‌های غیرقانونی اشغالگران امریکائی در سوریه و حضور ناخواسته آن‌ها در عراق، همه تنها برای «مهار» ایران وجود دارند.

چه کسی هزینه این پایگاه‌ها را پرداخت می‌کند؟ نه اسرائیل. سربازان کدام کشورها در سوریه، عراق، قطر، کویت، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در خطر هستند؟ نه اسرائیل. چه کسی سود می‌برد؟ قطعاً نه امریکا.

عوامل سیاسی و نظامی که ممکن است بر ترمپ تأثیر بگذارد

نمایش‌های اخیر ایران از توانائی‌های نظامی، هرگونه طرحی برای اقدامات نظامی را پیچیده می‌کند. طی عملیات و عده صادق-۱ و عملیات و عده صادق-۲، برنامه راکتی بالستیک ایران ثابت کرده است که می‌تواند به سیستم دفاع اسرائیل نفوذ کند و سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته آن توانستند حمله اسرائیل در اکتوبر ۲۰۲۴ را خنثی کنند.

در حالی‌که تبلیغات ممکن است چیز دیگری را نشان دهد – که اسرائیل «راکت‌های ایران را به عنوان ابزارهائی «سرهمبندی شده» مورد تمسخر قرار داد، علی‌رغم این واقعیت که راکتها به طور انبوه به پدافند هوایی اسرائیل نفوذ کردند و اهداف حساسی را مورد اصابت قرار دادند» – توانائی ایران برای پاسخی ویرانگر به تجاوز، همچنان روشن باقی می‌ماند.

مایکل دی‌مینو به خاطر بیان این‌که حمله ایران «نسبتاً معتدل» بود، مورد انتقاد قرار گرفت، اما لی اسلوشر، تحلیلگر سابق اطلاعاتی تأیید می‌کند:

«این‌که ایران یک حمله فاجعه‌بار و گسترده انجام نداد، به اشتباه به عنوان فقدان توانائی، به جای نشانه‌ای از خویشتنداری تعبیر شد. ایران به تحریکات اسرائیل با ارسال پیامی مبنی بر این‌که خواهان جنگ گسترده‌تر نیست و به طور انتقادی، با پیش نمایشی از برخی قابلیت‌های تهاجمی پیشرفته‌اش پاسخ داد.»

همزمان، آبرو و اعتبار جهانی اسرائیل آسیب دیده است، زیرا امریکائی‌ها – چه لیبرال و چه محافظه‌کار – از دخالت امریکا در غرب آسیا خسته شده اند.

امریکا را دوباره قابل اعتماد کنیم

عواطف و احساسات عمومی علیه گرفتاری‌های خارجی در حمایت مالی و نظامی از اوکراین و اسرائیل در حال گسترش است و بسیاری از امریکائی‌ها آنرا بار گرانی بر دوش منابع ایالات متحده می‌دانند. پایگاه (اجتماعی) ترمپ، به ویژه، از «جنگ‌های بی‌پایان» امریکا در منطقه، خویشتنداری کمی از خود نشان می‌دهد.

اگر ترمپ در مورد مذاکره با ایران جدی است، ابتداء باید اعتماد را از طریق ارائه امتیازات یکجانبه بازسازی کند. برای تهران، این امر می‌تواند شامل لغو تحریم‌ها با اتصال مجدد به سیستم‌های مالی جهانی باشد. بدون چنین اقداماتی، شک و بی‌اعتمادی در دو طرف ادامه خواهد یافت.

در نهایت، ترمپ ممکن است متوجه شود که مشارکت در دیپلماسی، به جای جنگی دیگر، تنها مسیر قابل دوام و رو به جلو است. این را که آیا اقدامات او بازتاب این درک خواهد بود یا نه، باید در آینده دید.

اگر ترمپ به مردم امریکا گوش فرا دهد و در مورد توانمندی‌های راکتی و پدافند هوایی ایران توصیه‌های درستی دریافت کند، مصلحت را در مذاکره خواهد یافت و از جنگی اجتناب خواهد کرد که در نهایت در یک درگیری طولانی و پرهزینه شکست خواهد خورد.

۲۸ جنوری ۲۰۲۵